

مترجمان

فصلنامه انجمن علمی دانشجویی مترجمی زبان
مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۱۱

سال اول - شماره سوم - تابستان ۱۴۰۳



مرکز آموزش علمی کاربردی
فرهنگ و هنر
واحد ۱۱ - تهران



انجمن علمی دانشجویی زبان انگلیسی
واحد ۱۱ دانشگاه علمی کاربردی



Motarjeman



فهرست مطالب

شناسنامه نشریه

۳ مصاحبه روزنامه هنرمند با خانم تجریشی

۵ ترجمه و ویراستاری شعر سپید از کتاب
«ماه تمام من» توسط خانم میترا شیرانلی

۶ مصاحبه با سرکار خانم شهناز ایلدرمی،
مترجم و کالیگرافист

۱۳ درباره علی مصفا چه میدانید؟

« فصلنامه مترجمان »

صاحب امتیاز :

انجمن علمی دانشجویی مترجمی زبان انگلیسی
مرکز علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران

مدیر مسئول و سردبیر :

میترا شیرانلی

استاد مشاور انجمن علمی و نشریه :

بیژن داوری دولت آبادی

طراح نشریه :

زینب خضری نسب

همکاران این شماره :

امید پیردانش - میترا شیرانلی - هانیه تجریشی

آدرس :

تهران - میدان انقلاب - ابتدای کارگر جنوبی - کوچه
رشتچی - مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر
واحد ۱۱ تهران

پلاک ۸، ۱۰، ۱۲

تلفن ۶۶۴۳۶۰۹۷

در مورد مقاله‌ی "ترجمه‌ی کتاب کودک کار آسانی نیست."

«تیغ غیر تخصصی بر بدنه‌ی ترجمه‌ی کتاب کودک»

این روزها شاهد ترجمه و انتشار کتب متعددی در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان هستیم. اگر با نگاهی کارشناسانه و آسیب‌شناسانه به این آثار کودک ترجمه شده نظر کنیم، درمی‌یابیم که از این بی‌شمار عنوان کتاب، تنها اندکی از آن‌ها آثار قابل اعتنایی می‌باشند که این مهم را می‌توان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آسیب حوزه‌ی نشر کودک و نوجوان دانست.

اما به راستی این آسیب برهم‌زننده از کجاست؟

پاسخ روشن است؛ این که برخی تصور می‌کنند ترجمه‌ی کتاب کودک به ویژه کتب تصویری، امری است سهل و ساده! همین ساده‌انگاری پای افراد غیرمتخصص با دانش ضعیف زبانی را به ورطه‌ی ترجمه کتاب کودک باز می‌کند. این در حالی است که ترجمه برای کودکان امری است تخصصی و بسیار حساس. این حساسیت در کتاب‌های تصویری به عنوان سازه‌های درون‌مایه‌ای متفاوتی در شکل‌گیری اثر دخیل هستند، بیش از پیش خودنمایی می‌کنند. این جاست که مترجم برای ارائه اثر و برگردان تخصصی باید.	به‌طور کامل دست به موشکافی اثر زده و تاروپود آن را به اصطلاح شخم بزند. طیف مخاطبین کتب کودک جزو مخاطبین خاص در طبقه‌ی فرهنگی دسته‌بندی می‌شوند. پس با چنین پیش‌فرضی، مترجمی می‌تواند اثر خوبی را در این عرصه ترجمه کند که برای ارائه، ابتدا دنیای پرهیاهوی کودکان را به لحاظ شخصیتی و روانی بررسی کرده و با روحیات کودک آشنایی کامل داشته باشد.
---	---



به بیان دیگر می‌توان گفت که شخصی می‌تواند در بخش ترجمه‌ی کودک فعالیتی موفق داشته باشد که خود سال‌ها با کودکان کار کرده باشد و با نیازها، رویاها و فضای ذهنی کودکان آشنایی کامل داشته باشد. همچنین مترجم کودک باید با ادبیات کودکان آشنا باشد. زیرا ادبیات کودکان دارای شکل و ساختار ویژه‌ای است و بی‌شک کتاب‌های نگارش شده به زبان انگلیسی در حوزه کودکان هم شامل ادبیات خاصی هستند که مترجم باید این سبک خاص را بشناسد و بدون آشنایی کافی از ادبیات کودک نمی‌تواند محتوای ذهنی کتاب را منتقل کند. به بیان دیگر می‌توان گفت که شخصی می‌تواند در بخش ترجمه‌ی کودک فعالیتی موفق داشته باشد که خود سال‌ها با کودکان کار کرده باشد و با نیازها، رویاها و فضای ذهنی کودکان آشنایی کامل داشته باشد. بهتر است بگوییم خود مترجم، کودک درونی فعال داشته باشد. چون کودک، دنیایی پر از پرسش و پاسخ دارد. پس وظیفه‌ی مترجم به گونه‌ای است که در کنار ترجمه فحوایی متن باید به طور کامل به بخش انگیزشی و گفت‌وگوی آن هم توجه داشته باشد و تلاش کند تا با عنصر خلاقیت این فضا را برای کنجکاوی کودک در مورد کتابی که برایش ترجمه شده و توسط والدین یا خود او خوانش می‌شود باز بگذارد. همچنین مترجم کودک باید با ادبیات کودکان آشنا باشد. زیرا ادبیات کودکان دارای شکل و ساختار ویژه‌ای است و بی‌شک کتاب‌های نگارش شده به زبان انگلیسی در حوزه کودکان هم شامل ادبیات خاصی هستند

که مترجم باید این سبک خاص را بشناسد و بدون آشنایی کافی از ادبیات کودک نمی‌تواند محتوای ذهنی کتاب را منتقل کند. نکته‌ی دیگری که در بخش ترجمه جای پردازش دارد؛ این است که گاهی موضوع کلامی و تصویری کتب انگلیسی و ساختار فرهنگی کار شده در آن‌ها با ساختار فرهنگی جامعه ما مغایرت دارد. به همین دلیل یک مترجم کودک باید پیش از دست به قلم شدن برای ترجمه‌ی کتاب، به محتوای درونی و این تفاوت‌ها و تطابق‌های فرهنگی توجه کافی داشته باشد. همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم می‌توان از عنصر خلاقیت استفاده کرد. به همین دلیل است که می‌گوییم کار ترجمه‌ی کتاب کودک، کار هر کسی نیست. در این مواقع اگر یک مترجم کودک نکاتی که عرض کردم را دارا باشد، به راحتی می‌تواند با خرج کردن کمی خلاقیت در این زمینه، محتوای فرهنگی و آموزشی مطلب را از آن کودکان‌مان کند و کلام آخر این که ترجمه‌ی بی‌کیفیت و سطح پایین، علاقه به مطالعه را در کودکان کاهش می‌دهد. پس این باور غلط را که ترجمه‌ی کتاب کودک کار آسانی است را کنار بگذاریم و به این حوزه، به عنوان یک علم تخصصی نگاه کنیم.





کتاب ماه تمام من

شاعر: آمنه شکوهی

مترجم زبان انگلیسی: میترا شیرانلی

ویراستار: میترا شیرانلی

ناشر: انتشارات آئی سا

My whole moon

I look at your eyes

An explosion makes an

excitement inside me

And a secret of our laugh

It brim full of love

Always look at my eyes

When my eyes brim full in your
eyes

Love

Makes a space in our bones.

Leave me for your eyes

My laughs

It is not ended in you

Forgive me for love

My whole moon...

به چشم‌هایت نگاه که می‌کنم

انفجاری در من هیجان می‌گیرد

و راز خنده‌های مان

از عشق لبریز می‌شود

همیشه به چشم‌هایم نگاه کن

چشم‌هایم در چشم‌هایت لبریز که می‌شود

عشق

تا استخوان‌های مان جا باز می‌کند.

مرا به چشم‌هایت وابگذار

خنده‌هایم در تو ناتمام است

مرا به عشقت ببخش

ماه تمام من...

مصاحبه با سرکار خانم شهناز ایلدرمی، مترجم و کالیگرافист خوب کشورمان:



من کار ترجمه را پس از فارغ التحصیلی یعنی از سال ۷۴ شروع کردم، البته نه به عنوان شغل. آن موقع بیش تر پروژه های دانشجویی که دوستان از من می خواستند را ترجمه می کردم تا وقتی سال ۷۵ در بخش بازرگانی خارجی یک شرکت بازرگانی مشغول به کار شدم و کار مکاتبات و ترجمه آن ها را به عهده گرفتم. بعدها با چند نشریه و سایت از جمله سایت تیم ملی فوتبال همکاری کردم و از موضوعات روز برای شان ترجمه و تولید محتوا می کردم. از سال ۹۲ به پیشنهاد یکی از دوستانم به ترجمه ی کتاب روی آوردم و از آن سال فقط کتاب ترجمه می کنم.

۴- بر چه مبنایی کتابی را برای ترجمه انتخاب می کنید؟

کتاب هایی که ترجمه کرده ام بیشتر پیشنهاد ناشر بوده اند. غیر از آن من چند دوست مقیم خارج دارم که همیشه قبل از آمدن به ایران با من تماس می گیرند و کتاب های پرفروش آن جا را به من معرفی می کنند. من هم بعد از بررسی سفارش می دهم. چند بار هم شده که کتاب را سفارش دادم، ولی وقتی به دستم رسیدند، بعد از مشورت با ناشران از خیر ترجمه آن کتاب ها گذشتم.

۵- تاکنون چند عنوان کتاب ترجمه کرده اید؟ چه نام دارند؟

من بیش از ۵۰ عنوان کتاب ترجمه کرده ام که اگر اشتباه نکنم ۳۵ عنوان به چاپ رسیده اند. در بین کتاب های ترجمه شده دو مجموعه کتاب کودک هست؛ یکی مجموعه ی ۱۶ جلدی نمایشنامه های شکسپیر است که فقط ۹ عنوان آن به چاپ رسیده است و دیگری مجموعه ۱۸ جلدی «به گرین لان خوش آمدید» است. چند عنوان کتاب بزرگسال هم ترجمه کرده ام که متأسفانه مجوز نگرفتند و چاپ نشدند.

۱- ابتدا به معرفی خودتان بپردازید:

شهناز ایلدرمی هستم. متولد ۲۰ خرداد ماه ۱۳۵۲. فارغ التحصیل رشته ی مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی.

۲- به کدام زبان ها مسلط هستید؟ آیا به

جز زبان انگلیسی به زبان دیگری هم

کتاب ترجمه کرده اید؟

کار اصلی من ترجمه از زبان انگلیسی به زبان فارسی ست. ابتدا در یک شرکت بازرگانی مشغول کار بودم و به عنوان مترجم ترکی استانبولی فعالیت داشتم. ولی در هیچ کدام از این زبان ها ادعای مسلط بودن ندارم، چون دانشم را به هیچ وجه کامل نمی دانم. از قبل هم همین طور بودم؛ همیشه خودم را در حد خوب می دانستم نه عالی.

۳- از چه زمانی شروع به ترجمه کردید و

چطور شد که متوجه شدید به ترجمه

کتاب علاقمندید؟

۶- تاثیرگذارترین کتابی که تاکنون ترجمه

کرده‌اید چه نام دارد؟

کتاب «درس‌های ۱۰ دقیقه‌ای زندگی برای فرزندان»

است، کتابی که در حوزه‌ی تربیت اخلاقی است. خود من در گذشته چندان طرفدار رمان نبودم و همیشه برای

مطالعه کتاب‌های آموزشی و روانشناسی را انتخاب

می‌کردم. به خصوص از زمان بارداری‌ام تا وقتی فرزندانم

نوجوان شدند، همیشه سراغ کتاب‌هایی می‌رفتم که به

من در زمینه‌ی تربیت و رشد فرزندان کمک کنند. کتابی

که در بالا از آن اسم بردم کتابی است که با ۵۲ بازی ۱۰

دقیقه‌ای فضائل اخلاقی و انسانی را به کودکان آموزش

می‌دهد و بسیار مناسب والدین و مربیان مهد کودک و

معلمان دبستان است. طبق اذعان ناشر از این کتاب

استقبال خوبی شده است.

۷- هنگام ترجمه یک کتاب آیا تحت تاثیر آن

قرار می‌گیرید؟

بله، بیشتر کتاب‌هایی که ترجمه کرده‌ام روی من اثر

گذشته‌اند، حتی کتاب‌های کودکی که ترجمه کرده‌ام با

داستان‌های جذابی که دارند من را به شدت درگیر خود

کرده‌اند. الان که فکرمی‌کنم می‌بینم هر کدام از

کتاب‌هایم به نوعی مرا تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. به عنوان

مثال: هنگام ترجمه‌ی کتاب «دروغ‌هایی که گفتیم» در

بخشی از رمان، جایی که به قسمت هیجان‌انگیز داستان

رسیده بودم، آن قدر ضربان قلبم بالا رفته بود که

باور کنید صدای قلبم را می‌شنیدم. در ترجمه‌ی

«رقصیدن با خودم» که هم‌زمان بود با بیماری پدرم، من

بخش‌هایی از کتاب را با اشک در چشم و بغض در گلو

ترجمه کردم.

هنگام ترجمه‌ی «شرافت» کتاب را نمی‌توانستم زمین

بگذارم و رمان ۴۰۰ و اندی صفحه‌ای را بسیار زودتر از

موعدی که قرارداد داشتم، تمام کردم. چون داستان بسیار

پرکشش و تأثیرگذاری داشت. در کتاب «سه دختر حوا»

الیف شافاک آن‌قدر مسائل اجتماعی ترکیه و اعتقادات افراد

را واضح توضیح داده که مدام خودمان را با آن‌ها مقایسه

می‌کردم.

۸- از بین کتاب‌هایی که ترجمه کردید کدام یک را

بیشتر دوست دارید؟

واقعا جواب دادن به این سوال برایم سخت است. من تک‌تک

کتاب‌هایم را دوست دارم، ولی اگر مجبور به انتخاب باشم

«شرافت» نوشته: الیف شافاک را انتخاب می‌کنم.

۹- اولین کتابی که از شما ترجمه و چاپ شد چه نام

داشت؟ در چه سالی و از کدام ناشر بود؟

از بین ترجمه‌های کتابم «قهوه‌خانه‌ی کوچک کابل» اولین

کتابی بود که مجوز گرفت و در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات

«حوض نقره» منتشر شد. پیش از آن ۳ کتاب ترجمه کرده

بودم که هیچ‌کدام مجوز چاپ نگرفتند و چاپ نشدند.

۱۰- مشکلاتی که این روزها سر راه مترجم‌ها قرار

دارد چیست؟

مسلم‌ا گران شدن کتاب یکی از مهم‌ترین دلایل استقبال کم

خوانندگان است. همین گرانی و عدم استقبال باعث پایین

آمدن تیراژ و به تبع آن کم شدن درآمد مترجم است. غیر از

این موضوع، مشکل دیگر عدم اطلاع مترجم یا نویسنده از

روند فروش کتاب‌هاست. حالا که بستر مجازی هم اضافه

شده و بیشتر ناشرها اطلاعات دقیق از میزان موجودی یا

فروش کتاب در اختیارمان قرار نمی‌دهند.

ما هم چون شرایط بازار را می‌دانیم فشاری به ناشر

نمی‌آوریم ولی این انتظار می‌رود خود ناشر حداقل سالی یک‌بار گزارشی از شرایط کتاب بدهد.

۱۱- به مترجمانی که تصمیم دارند وارد این عرصه

شوند چه توصیه‌هایی دارید؟

توصیه‌ام این است که اگر برای کسب درآمد سراغ ترجمه کتاب می‌آیید در تصمیم‌تان تجدیدنظر کنید. ولی اگر عاشق ترجمه‌اید و به کار فرهنگی قلباً علاقه‌مندید راه درستی را انتخاب کرده‌اید. در بازار فعلی ایران، ترجمه‌ی کتاب کاری دلی است. امیدوارم روزهای بسیار بهتری را در صنعت نشر شاهد باشیم. توصیه‌ی دیگرم این است که برای خواننده، ارزش قائل شوید. متنی را در اختیار خواننده قرار بدهید که خودتان از صحت آن مطمئنید. به متنی که ترجمه می‌کنید وفادار باشید و بدون هیچ کم و کاستی به درست‌ترین شکل ممکن آن را برگردانید. تفاوت مترجم خوب و بد در همین متنی است که در اختیار خواننده قرار می‌دهد. پیشنهادم این است که خودتان متن‌تان را ویرایش کنید. به امید ویرایش ناشر و ویراستار نباشید.

اجازه بدهید نام‌تان جزو مترجمینی بیاید که ویرایش متن‌هایش آسان و نوشته‌هایش خوش‌خوان است. هر وقت حال‌تان خوب است ترجمه کنید. تجربه‌ی من این‌طور بوده که با حال بد، کار بد از آب در می‌آید و دیگر این که زیاد مطالعه کنید تا با سبک‌های مختلف نوشتاری آشنا شوید و دامنه‌ی لغات‌تان گسترش پیدا کند.

۱۲- آیا در خانواده کسی با کار ترجمه شما مخالف

بود؟

خیر. خوشبختانه همه‌ی اطرافیانم مشوق و حامی من هستند.

۱۳- در زندگی کاری کسی یا عاملی سکوی پرتاب

شما بوده است یا خیر؟

بله، صمیمی‌ترین دوستم که از دوستان دبستانم است، حدود سال ۱۳۹۰ بود که به من پیشنهاد داد به جای این ترجمه‌های متفرقه سراغ ترجمه کتاب بروم. از آن جایی که خودش جزو مدیران فرهنگی بوده و هست، مرا به ناشران معرفی کرد. من همیشه قدردان این دوست عزیزم هستم.

۱۴- از چه ابزارهایی برای ترجمه استفاده می

کنید؟

قبلاً از دیکشنری‌های تخصصی استفاده می‌کردم که بعضی‌هایشان چند جلدی و بسیار بزرگ و سنگین بودند. اما الان تمام این دیکشنری‌ها در اینترنت موجودند. البته در گوشی و لپ‌تاپ هم دیکشنری دارم، ولی اگر نتوانستم جواب موردنظرم را پیدا کنم، حتماً به اینترنت مراجعه می‌کنم.

۱۵- چگونه از دقت خود در ترجمه اطمینان حاصل

می‌کنید؟

من مترجمی هستم که هیچ‌گاه به اولین جمله یا معنی که به ذهنم می‌رسد راضی نمی‌شوم. گاهی با این که از معنا و مفهوم جمله‌ای مطمئنم باز هم در معانی مختلف می‌گردم تا شاید بتوانم جمله یا کلمه بهتری را جایگزین کنم. کار دیگری که همیشه انجام می‌دهم این است که می‌گذارم مدتی از متنی که ترجمه کردم بگذرد، بعد از آن پرینت می‌گیرم و به عنوان خواننده متن را می‌خوانم و اگر لازم باشد تغییراتی در متن می‌دهم.

یک مورد که شاید برای تان جالب باشد این است که من حتما متن ترجمه شده‌ام را به یکی از اعضای خانواده هم می‌دهم تا بخواند و معمولاً این زحمت را به همسر می‌دهم. ایشان هم زیر قسمت‌هایی که برایش ابهام دارد یا پیشنهاد بهتری دارد خط می‌کشد و کنارش برایم می‌نویسد. آن زمان که کتاب کودک ترجمه می‌کردم از فرزندانم که در سنین کودکی و نوجوانی بودند می‌خواستم تا اولین خواننده کتاب‌هایم باشند و اگر جایی را درست متوجه نمی‌شدند، بلافاصله کلمات یا جملات را ساده‌تر می‌کردم. به این ترتیب بعد از تغییرات لازم متن را به ناشر تحویل می‌دهم.

۱۶- برای ترجمه یک کتاب چه فرآیندهایی را

طی می‌کنید؟

همیشه اولین کاری که برای انتخاب کتاب انجام می‌دهم، مراجعه به سایت‌های جهانی کتاب مثل "گود ریدز" است. در آن جا مشخصات کتاب، نویسنده، موضوع کتاب و بازخورد خواننده‌ها را بررسی می‌کنم. اگر کتاب دستم باشد صفحاتی از کتاب را می‌خوانم تا نوع نوشتارش را ببینم. گاهی نوشتار خوب است اما موضوع به دلم نمی‌نشیند یا برعکس. موضوع دیگری که باید برای انتخاب به آن توجه کنیم محدودیت‌هایی است که در ایران برای ترجمه داریم. من یک بار در این مورد سهل‌انگاری کردم و همین حالا که با شما صحبت می‌کنم کتابی را ترجمه و آماده چاپ دارم ولی چون داستان و وقایع مربوط به یک کارخانه شراب‌سازی است هنوز به ناشر تحویل نداده‌ام چون مطمئنم مجوز نخواهد گرفت.

این کتاب ادامه داستان «قهوه‌خانه کوچک کابل» است و من این قدر مشتاق ترجمه‌ی این کتاب بودم که بلافاصله سفارش دادم و بدون این که بخوانم شروع به ترجمه کردم. همان اوایل کتاب متوجه موضوع کتاب شدم ولی امیدوار بودم که ارتباط داستان با این کارخانه تمام شود، ولی متأسفانه تا آخر کتاب ماجرا ادامه یافت و من ماندم با کتاب ترجمه شده‌ی بسیار جذابی که می‌دانم هرگز مجوز چاپ نمی‌گیرد. این در خصوص مواردی بود که خودم کتاب را انتخاب می‌کنم. گاهی هم کتاب از طرف ناشر معرفی می‌شود که باز هم بعد از بررسی کتاب، شروع به ترجمه می‌کنم. بعد از پایان ترجمه دو یا سه بار ترجمه را می‌خوانم، ویرایش‌های لازم را انجام می‌دهم و متن را در اختیار ناشر

قرار می‌دهم و ادامه‌ی کار با انتشارات است. گرفتن شابک، فیپا و مجوز بر عهده‌ی ناشر است. اگر کتاب ابلاغیه برای اصلاح داشته باشد ناشر آن را به من می‌دهد و من مواردی را که وزارت ارشاد خواسته حذف شود یا تغییر یابد، بررسی می‌کنم و بعد از اعمال تغییرات دوباره متن را به ناشر می‌دهم و ناشر بعد از گرفتن مجوز چاپ اقدام به چاپ کتاب می‌کند.

۱۷- هنگام ترجمه یک کتاب وقتی به اصطلاحات

سخت یا فنی برخورد می‌کنید چه راهی را انتخاب

می‌کنید؟

در حال حاضر اینترنت بهترین مرجع برای جواب سؤالاتم است. ولی گاهی پیش آمده جوابی که گرفتم به نظرم مناسب یا درست نبوده. در این صورت به متخصصین امر مراجعه می‌کنم تا از پیشنهاداتشان استفاده کنم.

اگر نتوانستیم با یک کلمه معنی یا مفهوم آن اصطلاح را برسانیم، مجبور می‌شویم در پانویس توضیح بیشتری برای آن اصطلاح بدهیم.

۱۸- چگونه خود را با تغییرات در زبان و فرهنگ به روز می‌کنید؟

در جهان امروز زبان هم مثل سایر علوم، مدام در حال تغییر است و به‌طور مرتب اصطلاحات جدید وارد زبان می‌شود. در فارسی خودمان هم شاهد هستیم که چقدر جوانان از عبارات و اصطلاحات جدید استفاده می‌کنند. باور کنید این تغییرات این‌قدر رایج شده و سریع شیوع پیدا می‌کند که اگر مدتی در اجتماع نباشیم از جریان این تغییرات عقب می‌مانیم. یادم نمی‌رود چند سال پیش وقتی دو فرزندم با هم حرف می‌زدند، برای اولین بار «ایستگاه کردن» را شنیدم. چند روز بعد دوباره از دو نفر دیگر شنیدم. از بچه‌ها پرسیدم: ایستگاه کردن یعنی چه؟ جواب دادند:

«مامان چطور نمی‌دونی؟ یعنی سر کار گذاشتن کسی» همین چند وقت پیش در تلویزیون شنیدم که مجری هم این اصطلاح را به کار برد. این‌ها را گفتم که عرض کنم تغییرات زبانی در کل جهان بسیار سرعت گرفته و ما چاره‌ای جز مدام به‌روز کردن خودمان نداریم. تماشای فیلم، شنیدن خبر، گوش دادن به موسیقی و بودن در محیط و در نهایت چاره‌ی همه چیز؛ یعنی مراجعه به اینترنت، می‌تواند ما را به روز نگه دارد.

۱۹- رویکرد شما در ترجمه اصطلاحات عامیانه چیست؟

برای یادگیری اصطلاحات عامیانه یا همان اسلنگ‌ها باید در محیط بود، فیلم دید و مطالعه کرد. من برای ترجمه‌ی این اصطلاحات همیشه به فرهنگ اصطلاحات عامیانه و اینترنت مراجعه می‌کنم. اگر نتوانم دقیقاً آن اصطلاح را پیدا کنم از دوستانی که در امریکا و انگلیس دارم کمک می‌گیرم. چون سال‌هاست در آن کشورها زندگی کرده و در محیط بوده‌اند. از بین ترجمه‌هایی که انجام داده‌ام «داستان‌های تام هنکس» و «رقصیدن با خودم» بیش‌ترین اصطلاحات عامیانه را داشتند و ترجمه‌ی آن‌ها برایم چالش برانگیز بود. گاهی به اصطلاحاتی برمی‌خوردم که معنای مناسبی که به متنم بیاید پیدا نمی‌کردم. وقتی از دوستان می‌پرسیدم می‌دیدم که فرضاً یک اصطلاح در مسابقه‌ای پربیننده در امریکا سر زبان‌ها افتاده و فقط کسانی که آن برنامه را می‌دیدند از آن خبر داشتند.

۲۰- اگر کتاب ترجمه شده شما مورد انتقاد قرار گیرد و باز خورد بدی ببینید، چگونه برخورد می‌کنید؟

تا به حال در مورد متن ترجمه، انتقادی از من نشده ولی یادم است وقتی کتاب «داستان‌های تام هنکس» منتشر شد در روزنامه‌ای یک مقاله بلندبالا نوشتند که چرا با این که این کتاب قبلاً ترجمه شده دوباره آن را ترجمه و منتشر کرده‌اند؟ یادم است آن سال که تام هنکس بازیگر مشهور آمریکایی اولین کتابش را منتشر کرد، به سرعت جزو پرفروش‌های دنیا شد. همان موقع دوست من عازم ایران بود.

از او خواستیم که کتاب را برایم بیاورد چون من از طرفداران تام هنکس هستم و دلم می‌خواست کتابش را ترجمه کنم. ظاهراً غیر از من دو مترجم دیگر هم‌زمان شروع به ترجمه کتاب کرده بودند و سه ترجمه موازی در حال انجام بود.

(این یکی از مشکلات مترجمان است که نمی‌دانند آیا کتابی را که در حال ترجمه هستند توسط مترجم دیگری ترجمه می‌شود یا نه؟)

کتاب من به نصف رسیده بود که دیدیم بله یک نشر به نام، ترجمه‌ی این کتاب را به چاپ رساند. مسلماً خیلی ناراحت شدم. بالاتر هم گفتم ترجمه‌ی این کتاب، راحت نبود چون سبک نوشتار تام هنکس متفاوت و سراسر اصطلاحات عامیانه بود. دلم نمی‌خواست کار را نیمه‌تمام رها کنم. تصمیم گرفتم کتاب را تا آخر ترجمه کنم. کتاب تمام شد و آن را به ناشر تحویل دادم و گفتم فلان نشر آن را چاپ کرده. ناشر محترم گفتند اشکالی ندارد این همه ترجمه متفاوت از کتاب‌های یکسان در بازار هست. من این کار را چاپ می‌کنم. هم‌زمان با چاپ کتاب ما، ناشر دیگری هم آن را چاپ کرد و به این ترتیب سه ترجمه مختلف از کتاب تام هنکس در یک سال به چاپ رسید. اتفاقاً به نظر من وقتی چند ترجمه از یک کتاب موجود است امکان مقایسه و انتخاب ترجمه بهتر وجود دارد و من خوشحالم که دو کارشناس، ترجمه‌ی من را بهتر از دو ترجمه‌ی دیگر ارزیابی کردند. سؤال شما در مورد انتقاد از ترجمه بود که من یاد این خاطره افتادم. من اگر انتقاد درست و سازنده‌ای را دریافت کنم حتماً از آن بهره می‌برم و سعی در رفع آن خواهم داشت.

۲۱- کتاب‌های ترجمه شده شما در چه ژانرهایی

بوده و کدام یک مورد توجه خاص خودتان است؟

من برای ترجمه، ژانرهای مختلفی را تجربه کرده‌ام. هم کتاب کودک و نوجوان ترجمه کرده‌ام و هم کتاب بزرگسال. دو مجموعه‌ی کودک و نوجوان ترجمه کرده‌ام که یکی مربوط به ادبیات داستانی کلاسیک انگلیس بود که نمایشنامه‌های شکسپیر را برای کودکان ساده‌نویسی کرده بودند و دیگری مجموعه داستان‌های ماجراجویی آمریکایی بود که بسیار خوش‌خوان و پرکشش است. برای بزرگسالان هم در ژانرهای مختلف ترجمه کرده‌ام: رمان، داستان کوتاه، تربیت اخلاقی، زندگی‌نامه و کامیک بوک یا همان کتاب مصور.

۲۲- چگونه از هماهنگی در سبک و تن صحیح

متن اصلی خود اطمینان حاصل می‌کنید؟

در ترجمه انتقال درست لحن و تن و سبک متن نکته بسیار مهمی است. اگر پیش از ترجمه کتاب را بخوانیم می‌توانیم هم با سبک نویسنده و هم لحن و نوع گویش شخصیت‌های داستان آشنا شویم و هنگام ترجمه با چیزی که قبلاً در ذهن‌مان از آن شخصیت ساخته‌ایم متن را بنویسیم. دو کتابی که از الیف شافاک ترجمه کردم پر از کاراکترهایی با شخصیت‌های مختلف است: زن روستایی، استاد دانشگاه، جوان لات، نوجوان بی‌حوصله، معلم، خبرنگار، مرد خارجی لهجه‌دار و... و تمام این‌ها لحن مخصوص به خود را داشتند که باید خواننده را متوجه آن می‌کردم. این ۲ کتاب از لذت‌بخش‌ترین تجارب دوران مترجمی‌ام هستند.

۲۳- با مسائل مربوط به حریم خصوصی و

محرمانگی در ترجمه چگونه برخورد می کنید؟

اگر درست متوجه شده باشم منظور مواردی است که مطمئنیم ارشاد آن‌ها را حذف می کند. من موقع ترجمه اگر مطمئن باشم جمله یا کلمه‌ای حذف می شود خودم آن را حذف می کنم یا به شکلی تغییر می دهم که قابل قبول باشد. (خودسانسوری)

۲۴- تا به حال با یک تیم از مترجمان کار کرده اید؟

اگر بله از تجربه خود بگویید؟

خیر، همیشه انفرادی ترجمه کرده ام.

۲۵- چگونه با چندین پروژه ترجمه به طور همزمان

برخورد می کنید؟

من معمولاً تا کاری را تمام نکنم کار جدید شروع

نمی کنم. در مورد ترجمه هم همین طور هستم. یادم

نمی آید دو پروژه ترجمه را همزمان در دست داشته باشم.

۲۶- آیا در زمینه‌ی ترجمه اسناد قانونی و یا فنی و

موارد دیگر تجربه‌ای دارید؟

اوایل کار ترجمه ام وقتی هنوز مترجم کتاب نبودم، متون

فنی ترجمه می کردم ولی مدت ها است که فقط ترجمه‌ی

کتاب انجام می دهم.

۲۷- به عنوان کلام آخر اگر سخنی مانده بفرمایید؟

من از دوران کودکی عاشق دو چیز بودم: زبان انگلیسی و

هنر. در کودکی نوشتن و خواندن انگلیسی را از پدرم

آموختم. هر وقت پدرم با همکاران خارجی اش انگلیسی

صحبت می کرد ادای او را درمی آوردم و دوست داشتم

مثل پدرم بتوانم صحبت کنم. من هیچ وقت کلاس زبان

نرفتم و همیشه پدرم در خانه با من انگلیسی کار می کرد.

در درس زبان غیر از ۲۰ نمره‌ی دیگری نداشتم و همین

باعث شد در دانشگاه رشته‌ی مترجمی را انتخاب کنم. از

۳ سال پیش که بیماری پدرم تشدید شد و بعد از فوت

ایشان دیگر تمرکزی برای ترجمه نداشتم و از همان

موقع برای ترجمه کم کار شدم و به جای آن سراغ هنر

رفتم تا به آرامش ذهن برسم. من خوش خطی را هم از

پدر و پدر بزرگم به ارث برده ام. به نقاشی هم علاقه مند و

در جوانی با پیانوی پدرم تمرین می کردم. دوران کرونا و

بیماری پدرم شرایطی را پیش آوردند که بیش تر به هنر

بپردازم. همان موقع شروع به یادگیری کالیگرافی کردم و

الان ۴ سال است که مشغول این هنر جذاب هستم. از

امسال هم آموزش مقدماتی کالیگرافی را شروع کرده ام.

احساس می کنم حالم با این هنر بهتر و ذهنم آرام تر شده

است.

صفحه اصلی من در اینستاگرام @ildoromi است. ولی

صفحه دیگری برای کارهای هنری ام باز کردم که

خوشحال می شوم میزبان نگاه های مهرآمیز شما

باشم: @nazi_ildoromi

در پایان از شما برای این مصاحبه و فرصتی که در

اختیارم قراردادید ممنونم. سپاس ویژه دارم از؛ سرکار

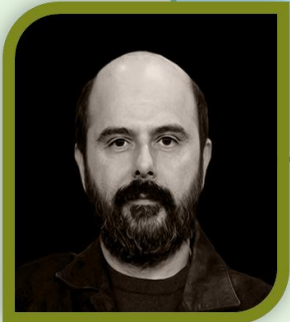
خانم میترا شیرانلی که هماهنگ کننده‌ی این مصاحبه

بودند. به امید روزی که شاهد رشد کتاب خوانی و رونق

بیشتر صنعت نشر و حال خوب همه باشیم.

با احترام - شهناز ایلدرمی

درباره‌ی علی مصفا چه می‌دانید؟



علی مصفا، نویسنده، کارگردان، مترجم و بازیگر ایرانی متولد ۱۳۴۷ است. او فرزند مظاهر مصفا و امیربانو کریمی است. همچنین او نوه‌ی برادر حسینعلی خان نکيسا، موسیقی‌دان و خواننده و نوه‌ی کریم امیری فیروزکوهی از شعرای معاصر و نتیجه‌ی حاج‌ملا رجبعلی؛ تعزیه‌خان مشهور دوره‌ی ناصری و مؤذن مخصوص محمدعلی‌شاه است.

علی مصفا هنرپیشه، فیلم‌ساز، تهیه‌کننده و مترجم ایرانی است که در میان مخاطبان سینما و تلویزیون، به‌عنوان بازیگری توانمند و درعین‌حال بی‌حاشیه شناخته می‌شود. او علاوه‌بر

حوزه‌ی فیلم، در دنیای کتاب نیز فعالیت داشته و کتاب «یادداشت‌های زیرزمینی» اثر فئودور داستایوفسکی را به فارسی برگردانده است. مصفا همچنین در زمینه‌ی تولید کتاب‌های صوتی نیز به‌عنوان راوی فعالیت دارد. از میان بهترین آثاری که با گویندگی علی مصفا تهیه شده‌اند، می‌توان به کتاب‌های «مرگ و مرگ کینکاس» و «کاتوره» اشاره کرد.

➤ زندگینامه علی مصفا:

علی مصفا (Ali Mosaffa) روز ۱۱ آذرماه سال ۱۳۴۵ زاده شد. پدرش مظاهر مصفا، شاعر، مصحح متون ادبی تاریخی و استاد دانشگاه تهران و مادرش امیربانو کریمی نیز از ادیبان سرشناس ایرانی و استاد سابق ادبیات دانشگاه تهران است. علی مصفا تحصیلات آکادمیک خود را در رشته‌ی عمران و در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران گذراند. او در دهه‌ی ۱۳۷۰ پا به دنیای بازیگری گذاشت و کار خود را با بازی در فیلم «امید»، ساخته‌ی حبیب کاووش آغاز کرد. پس از آن در فیلم‌هایی چون «پری» و «برج مینو» نقش‌آفرینی کرد؛ تا این که در سال ۱۳۷۵ با بازی در فیلم «لیلا» به کارگردانی زنده‌یاد داریوش مهرجویی، با لیلا حاتمی هم‌بازی شد. این فیلم، بهانه‌ی آشنایی این دو بازیگر با یکدیگر و ازدواج آن‌ها در آینده شد. حاصل ازدواج علی مصفا و لیلا حاتمی، یک دختر و یک پسر، به نام‌های مانی و عسل هستند.



➤ **علی مصفا در عرصه‌ی فیلم‌نامه‌نویسی و ترجمه:**

علی مصفا در زمینه‌ی فیلم‌نامه‌نویسی نیز دستی بر آتش دارد و تا به حال نگارش فیلم‌نامه‌ی فیلم کوتاه «هم‌سایه»، مستند داستانی «فریب شعر» و فیلم‌های «سیمای زنی در دوردست»، «پله‌ی آخر» و «نبودن» را برعهده داشته است. گفتنی‌ست که علی مصفا فیلم‌نامه‌ی پله‌ی آخر را با اقتباسی تلفیقی از داستان «مردگان»، اثر جیمز جویس و رمان «مرگ ایوان ایلچ»، نوشته‌ی لئو تولستوی به نگارش درآورد.

این هنرمند، در عرصه‌ی ترجمه‌ی کتاب نیز مهارت خود را آزموده است. «یادداشت‌های زیرزمینی»، اثر فئودور داستایوفسکی یکی از بهترین کتاب‌های علی مصفا در مقام مترجم به‌شمار می‌آید. نکته‌ی جالب این که او این اثر را با صدای خود روایت کرده و در قالب کتاب صوتی به مخاطبان عرضه نموده است. کتاب‌های «کاتوره»، اثر بیتا شباهنگ و «مرگ و مرگ کینکاس»، نوشته‌ی ژورژه آمادو از دیگر آثار علی مصفا در عرصه‌ی گویندگی کتاب هستند.

➤ **بهترین کتاب‌های علی مصفا:**

- | | | |
|---|---|--|
| <ul style="list-style-type: none">▪ کتاب یادداشت‌های زیرزمینی:
(notes from underground)این اثر که ازجمله رمان‌های روان‌شناختی داستایوفسکی محسوب می‌شود، داستان زندگی مردی را بازگو می‌کند که در فرار از شلوغی‌ها و خستگی‌های زیست روزمره، به یک زیرزمین پناه برده تا بار سنگین زیستن را با نوشتن، از دوش خود بردارد. ناگفته نماند که کتاب صوتی یادداشت‌های زیرزمینی با ترجمه و گویندگی علی مصفا در سایت و اپلیکیشن کتابراه در دسترس شما قرار گرفته است. | <ul style="list-style-type: none">▪ کتاب کاتوره:بیتا شباهنگ در این رمان اجتماعی، داستان زندگی روزمره‌ی زوجی را روایت می‌کند که با اتفاقی ناگهانی و ورود یک زن به زندگی‌شان پس از آن، ماجراهای تازه‌ای را تجربه می‌کنند. شما می‌توانید با دریافت کتاب صوتی کاتوره از سایت و اپلیکیشن کتابراه، ماجرای زندگی این زوج را با صدای علی مصفا و هانیه توسلی بشنوید. | <ul style="list-style-type: none">▪ کتاب مرگ و مرگ کینکاس:
(The Double Death of Quincas Water-Bray)ژورژه آمادو، رمان‌نویس برزیلی، در این اثر از ماجرای زندگی آقای کینکاس می‌گوید که بعد از سال‌ها سابقه‌ی کار در شغلی دولتی، تصمیم می‌گیرد خیابان گرد شود. این کتاب، داستانی‌ست با درون‌مایه‌ی طنز که مرگ را به بازی می‌گیرد. صدای علی مصفا، راوی کتاب صوتی مرگ و مرگ کینکاس، شنیدن این روایت طنز و تأمل‌برانگیز را لذت‌بخش‌تر کرده است. با مراجعه به سایت یا اپلیکیشن کتابراه می‌توانید کتاب صوتی مرگ و مرگ کینکاس را بشنوید. |
|---|---|--|

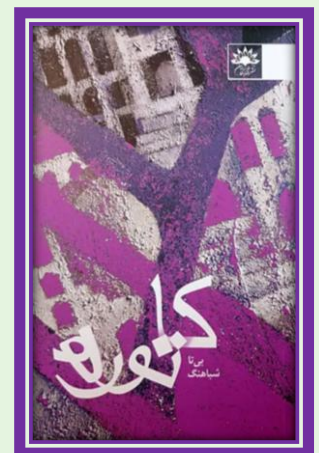
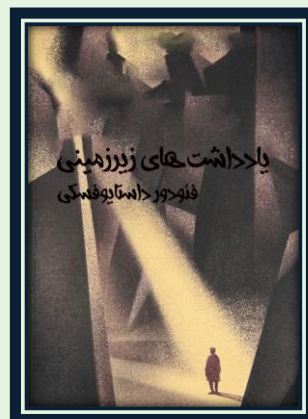
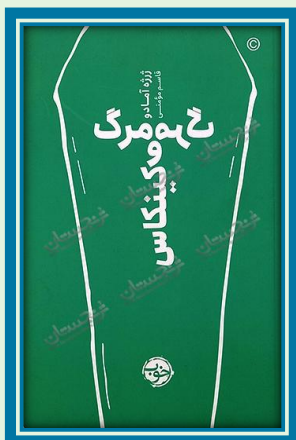
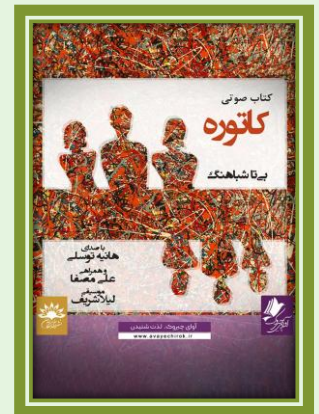
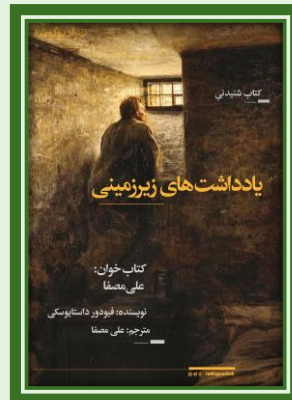
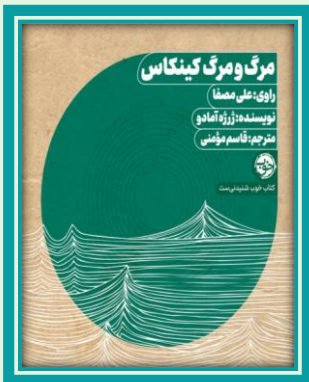
➤ جوایز و افتخارات علی مصفا:

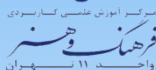
علی مصفا در سال ۱۳۹۰ برای نویسندگی فیلمنامه‌ی پله‌ی آخر، سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه‌ی اقتباسی را از آن خود کرد. این فیلمنامه همچنین در سال ۱۳۹۱، جایزه‌ی هیئت داوران جشنواره‌ی کرالا را برای علی مصفا به ارمغان آورد.



➤ کتاب‌های علی مصفا:

کاتوره اثر بیتا شباهنگ یادداشت‌های زیرزمینی اثر فئودور داستایوفسکی مرگ و مرگ کینکاس نوشته‌ی ژورژه آمادو





Motarjeman